

مسئولیت کیفری بین‌المللی

در قبال جنایات ارتکاب‌یافته در میانمار*

□ محمدهادی ذاکر حسین^۱

چکیده

خشونت‌های پرحاشیه علیه مسلمانان در کشور میانمار، آستان وقوع جرایم بین‌المللی پرشماری بوده است. در عصر پاسخ‌گویی در برابر جنایات بین‌المللی، این پژوهش در مقام پاسخ‌دهی به این سؤال است که ابزارهای جامعه جهانی برای پاسخ‌گو کردن مرتکبان این جنایات در میانمار کدام است. در سطح بین‌المللی در حوزه مسئولیت کیفری فردی، دیوان کیفری بین‌المللی جنایت علیه بشریت صورت گرفته در میانمار را مورد تعقیب قرار داده است و مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار نسبت به نسل‌کشی مسلمانان در این کشور نیز با شکایت دولت گامبیا در دیوان بین‌المللی دادگستری در حال پیگیری است. همچنین شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مسیر تحقیق و مستندسازی نقض‌های حقوق بشر صورت گرفته در میانمار با هدف ثبت این جنایات، مکانیسم‌های حقیقت‌یابی را به کار گرفته است. در سطح ملی نیز ابزار صلاحیت جهانی، ظرفیتی را برای

دادخواهی نسبت به جنایت‌های صورت گرفته در کشور میانمار فراهم آورده که در کشور آرژانتین مورد استفاده واقع شده است. تجربه مقابله با بی‌کیفرمانی در میانمار، دربردارنده آموزه‌هایی برای مقابله با جنایات ارتكابی در دیگر بحران‌هاست که خوانش آن‌ها را ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، صلاحیت جهانی، نسل‌کشی.

مقدمه

از سال ۲۰۱۷ میلادی موج جدیدی از خشونت‌های خونین علیه اقلیت مسلمان ساکن در میانمار از سوی نیروهای نظامی و امنیتی این کشور با همراهی بوداییان افراطی آغاز شد؛ خشونت‌هایی که «گزارشگر ویژه سازمان ملل برای حقوق بشر در میانمار» آن را دربردارنده علائم نسل‌کشی دانسته است (UN Special Rapporteur, 9 March 2018: para. 65). «جمهوری اتحادیه میانمار» با جمعیتی بالغ بر ۵۱ میلیون نفر، کشوری با تنوع قومی و فرهنگی فراوان است (UN Human Rights Council, 2018: para. 84). تا کنون حدود ۱۳۵ گروه قومی در این کشور از سوی دولت میانمار به رسمیت شناخته شده است (روستایی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۴۶). در این میان، اکثریت با بوداییان است و قانون اساسی میانمار نیز وضعیت ویژه‌ای برای آیین بودا در این کشور در نظر گرفته است (ICC OTP, 4 July 2019: para. 35).^۱ مسلمانان از حیث تعداد، دومین جمعیت مذهبی میانمار را به عنوان یک اقلیت تشکیل می‌دهند. با این حال، اقلیت مسلمان روهینگیا که به صورت متمرکز در «استان راخین»^۲ در غرب کشور میانمار ساکن هستند، برای سال‌های طولانی و متمادی، قربانی تبعیض و نقض‌های گسترده و سازمان‌یافته حقوق بوده‌اند (UN Human Rights Council, 2018: para. 458). روهینگایی‌ها جمعیتی با زبان و فرهنگ مختص به خود هستند؛ لیکن دولت میانمار این تفاوت و استقلال هویتی را

۱. قانون اساسی سال ۲۰۰۸ میانمار تأکید می‌کند که بودایسم به دلیل آنکه آیین اکثریت مطلق شهروندان است، دارای یک وضعیت ویژه (special position/status) است. اما در ادامه اذعان می‌کند که مسیحیت، اسلام و هندویسم نیز دارای باورمندانی در کشور است (برای مطالعه بیشتر درباره بودایسم در قانون اساسی میانمار، ر.ک: Schonthal, 2018: 245-254).

2. Rakhin State.

به رسمیت نمی‌شناسد و اتصال و وابستگی این گروه قومی به میانمار را انکار می‌کند (Kipgen, 2019: 63). دولت میانمار، روهینگایی‌ها را به عنوان مهاجران غیر قانونی که از کشور بنگلادش به این کشور آمده و سکنی گزیده‌اند، معرفی می‌کند. از این رو، ایشان را «بنگالی»^۱ می‌نامد تا از این طریق، ادعای غیر میانماری بودن جمعیت روهینگیا را بر مسند قبول بنشانند (UN Human Rights Council, 2018: para. 460). انکار هویت مسلمانان روهینگیا از سال ۱۹۸۲ با تصویب «قانون شهروندی»^۲ به صورت قانون در آمد (شفیعی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۶). قانون مذکور با تعریف و به رسمیت شناختن سه طبقه شهروندی، افرادی را که خارج از شمول آن‌ها قرار می‌گیرند، اشخاص غیر میانماری محسوب می‌کند که از حقوق اتباع و شهروندان این کشور محروم هستند. اما از آن تاریخ، جمعیت روهینگیا به عنوان یک گروه ملی از سوی دولت مورد شناسایی واقع نشده است (برای مطالعه بیشتر درباره قانون شهروندی میانمار، ر.ک: Lee, 2019: Vol. 8).

نقض حقوق مسلمانان روهینگیا در چند مقطع، به شکل گیری خشونت‌های گسترده علیه ایشان انجامید. اولین موج خشونت‌ها در سال ۲۰۱۲ میلادی به پا خاست که طی آن نیروهای نظامی و امنیتی میانمار با حمله به مسلمانان این کشور، موجبات جابه‌جایی و مهاجرت اجباری تعداد پرشماری از ایشان به کشورهای دیگر را فراهم ساختند. این خشونت‌های سازمان‌یافته و با برنامه‌ریزی قبلی، زمینه جداسازی مسلمانان از بوداییان و کوچاندن اجباری ایشان به اردوگاه‌های از پیش تعیین شده را فراهم آورد (Human Rights Watch, 2012). باید خاطرنشان کرد که خشونت‌های صورت گرفته علیه مسلمانان، چه در مقاطع قبلی و چه در سال‌های اخیر، یک‌شبه حاصل نشده است؛ بلکه این رفتارهای خشونت‌آمیز، محصول نفرت پراکنی و اسلام‌ستیزی در میانمار است. در گسترش ادبیات نفرت و زمینه‌سازی اعمال خشونت نسبت به مسلمانان، فضای مجازی و برخی شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک^۳ به صورت گسترده و سازمان‌یافته

1. Bengali.

2. 1982 Citizenship Law.

۳. شبکه فیس‌بوک خود به مورد سوء استفاده واقع شدن به مثابه ابزاری برای تحریک به خشونت‌ها در میانمار اذعان کرده است (Cf. Stevenson, 2018).

مورد استفاده قرار گرفته است (UN Human Rights Council, 2018: para. 74).

فزونی گرفتن خشونت علیه مسلمانان میانمار، منتج به شکل‌گیری یک حرکت مسلحانه در میان بخشی از مسلمانان این کشور به نام «ارتش رستگاری روهینگایی‌های آراکان»^۱ شد. در نتیجه عملیات‌های مسلحانه این گروه، موج دوم خشونت‌ها علیه مسلمانان میانمار در اکتبر ۲۰۱۶ میلادی در قالب «عملیات پاکسازی»^۲ با مشارکت ارتش، نیروهای امنیتی و غیر نظامیان افراطی ضد روهینگیا آغاز شد.^۳ موج تازه حملات خشونت‌آمیز به مسلمانان که تا چند ماه ادامه داشت، بار دیگر به بی‌خانمان شدن مسلمانان و فرار ایشان به کشور همسایه یعنی بنگلادش انجامید. هنوز مدتی از فروکش کردن این دور از خشونت‌ها سپری نشده بود که در ۲۵ آگوست ۲۰۱۷ میلادی و در پاسخ به حملات گروه «آرسا» به برخی پست‌های بازرسی ارتش میانمار، گسترده‌ترین موج خشونت‌ها و حملات کشنده علیه مسلمانان توسط نیروهای نظامی و امنیتی میانمار با همراهی بوداییان افراطی این کشور سازماندهی و آغاز شد. در این موج که شدت آن تا حدود یک سال ادامه داشت، روستاها و سکونتگاه‌های پرشماری تخریب و به آتش کشیده شدند، صدها مسلمان روهینگایی به قتل رسیدند و برخی از ایشان زنده زنده در منزل و مسکن خود سوزانده شدند و در سایه بی‌کیفرمانی حاکم بر این خشونت‌ها، جرایم جنسی و تجاوزهای گروهی بسیاری نسبت به زنان مسلمان روهینگیا رخ داد (Guardian, 2017). در نتیجه خشونت‌های گسترده علیه مسلمانان، تعداد پرشماری از مردم روهینگیا با آغاز دور تازه خشونت‌ها، به کشور بنگلادش پناه برده و مهاجرت کردند. بنا بر برخی تخمین‌ها تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی، حدود یک میلیون روهینگایی

1. Arkhan Rohingya Salvation Army (ARSA).

2. Clearance Operation.

۳. در جریان مقاومت گروه مسلح موسوم به «آرسا» در برابر خشونت‌های دولت میانمار، اتهاماتی متوجه این گروه شده است. برخی سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل، خواهان انجام تحقیقات راجع به جنایات منتسب به این گروه شده‌اند (Cf. Amnesty International, 2018). لازم به ذکر است که در نظام عدالت بین‌المللی، آنچه که در یک بحران مورد تحقیق قرار می‌گیرد، کلیت یک قضیه است، نه جرایم منتسب به یک گروه خاص. بنابراین در قضیه و بحران روهینگیا محاکم بین‌المللی مانند دیوان، به جرایم تمام طرفین درگیر، فارغ از وابستگی در صورت تحقق شرایط صلاحیتی رسیدگی خواهند کرد (برای مطالعه بیشتر درباره ضوابط تعقیب قضیه‌محور، ر.ک: ذاکر حسین، ۱۳۹۹).

در کشور بنگلادش ساکن شده بودند (ICC OTP, July 2019: para. 69).

در مواجهه با جنایات صورت گرفته علیه مسلمانان روهینگیا، برخی با اشاره به تحولات سیاسی سال‌های اخیر در میانمار که موجب گذار از یک حکومت نظامی به حکومتی برخاسته از انتخابات شده است، نسبت به سختگیری راجع به نقض حقوق بشر در این کشور هشدار داده‌اند تا دموکراسی نوپا در این کشور متزلزل نشود (Abbott, 2020^A). با این حال، جامعه جهانی در «دوراهی صلح و عدالت»، پیمودن مسیر عدالت را ترجیح می‌دهد؛ چرا که صلح بدون عدالت ماندگار نخواهد بود (Côté, 2005: 177).^۱ کودتای فوریه ۲۰۲۱ میلادی نظامیان علیه حزب حاکم که منتهی به قدرت یافتن مجدد نظامیان و بازداشت چهره‌های سیاسی مانند «آنگ سان سوچی» گردید، خود سند متقنی در اثبات در هم تنیدگی صلح و عدالت است و از آن حکایت می‌کند که تسامح نسبت به خشونت‌های مجرمانه، به پایداری دموکراسی نمی‌انجامد (برای مطالعه بیشتر درباره کودتای ۲۰۲۱ میانمار، ر.ک: Cuddy, 2021).

در نظام عدالت کیفری بین‌المللی با وقوع هر جنایتی، عدالت‌خواهان به جست‌وجوی مسیرهای مسئولیت‌خواهی و پاسخ‌گو کردن مسئولان جنایت می‌پردازند. قضیه میانمار نیز از شمول عمومیت این گزاره خارج نیست. با برخاستن موج خشونت‌های گسترده و سازمان‌یافته علیه مردم مسلمان میانمار در سال ۲۰۱۷ میلادی که کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل آن را «درسنامه مثال‌محور پاکسازی قومی»^۲ وصف کرد (High Commissioner for Human Rights, 2011)، تلاش‌ها برای عدالت‌خواهی نسبت به بزه‌دیدگان جنایت‌های واقع شده در میانمار و همچنین مسئولیت‌خواهی نسبت به اشخاص مسئول آغاز گردید که تا امروز نیز ادامه دارد.

این نوشتار جستاری درباره این تلاش‌های صورت گرفته است تا با مرور آن‌ها، ظرفیت‌های نظام عدالت کیفری بین‌المللی برای مقابله با جنایات بین‌المللی آشکار و

۱. دوراهی صلح یا عدالت از مسائل پرمانه حقوق کیفری بین‌المللی است. آنچه در اینجا مراد است، عدالت کیفری می‌باشد که با صلحی که دربردارنده عفو مرتکبان جنایات بین‌المللی است، در تضاد و ناسازواری است (برای مطالعه بیشتر درباره دوراهی صلح و عدالت، ر.ک: Rodman, 2011).

2. Textbook Example of Ethnic Cleansing.

مشخص شود. قضیه میانمار از حیث عدالت‌خواهی بین‌المللی، یک قضیه خاص نیست، بلکه نسبت به هر جنایت بین‌المللی می‌توان مسیرهای مشابهی را پیمود. نظام عدالت کیفری بین‌المللی، نظامی پایا و پویاست. این پایدگی نیازمند پویایی است تا بتوان بدون متوقف شدن در بن‌بست‌ها با ابتکار عمل و جایگزین کردن و طراحی ابزارهای جدید و مؤثر پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی را طی کرد. قضیه میانمار پویایی نظام عدالت بین‌المللی در پرتو خلاقیت کنشگران آن را نیز نشان می‌دهد.

یافته‌های این پژوهش به ویژه درباره ظرفیت‌های نظام عدالت بین‌المللی، برای تمام دولت‌ها و از آن جمله دولت ایران در مسیر مقابله با جرایم بین‌المللی می‌تواند مورد استفاده باشد.^۱ پیش از این، برخی نویسندگان حقوقی درباره امکان‌سنجی تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات میانمار در عرصه بین‌المللی سخن گفته‌اند (ر.ک: رحمتی و میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۸۷-۱۲۰)؛^۲ لیکن نوشتار ایشان، بیان احتمالات انتزاعی در این ارتباط و منصرف از تحولات بیرونی سال‌های اخیر بوده است. اکنون در پرتو تحولات صورت گرفته می‌توان آن گمانه‌زنی‌ها را نیز به ارزیابی نشست که تا چه میزان به واقعیت نزدیک شده‌اند.

نوشتار حاضر در پرتو مطالعه قضیه میانمار در مقام پاسخ‌دهی به این پرسش است که نظام عدالت کیفری بین‌المللی در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات بین‌المللی، چه ابزارهای حقوقی در اختیار دارد که از سوی دولت‌ها و کنشگران مدنی می‌تواند در این مسیر مورد استفاده قرار بگیرد.

۱. قضیه میانمار برای جمهوری اسلامی ایران از ابتدا حائز اهمیت بوده است تا آنجا که رهبر انقلاب در تیرماه ۱۳۹۶ در دیدار با رئیس و مسئولان وقت قوه قضاییه اعلام فرمود که قوه قضاییه باید در موضوعاتی همچون حمایت از مسلمانان میانمار، از جایگاه حقوقی وارد شود و حمایت خود را قاطعانه اعلام کند تا در دنیا منعکس شود (قابل دسترس در وبگاه: <<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37040>>); همچنین برای مطالعه بیشتر درباره ظرفیت‌های کنشگری عدالت‌خواهانه ایران در ماجرای میانمار، ر.ک: ذاکر حسین، ۱۳۹۶).

۲. برای نمونه، نویسندگان مقاله اعمال صلاحیت سرزمینی توسط دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس تفسیر موسع از آن را مورد تصریح قرار نداده‌اند؛ در حالی که دیوان در عمل، آن گونه که در این نوشتار اشاره می‌شود، بر همین اساس اقدام به ورود به قضیه میانمار نمود.

جنایات بین‌المللی، هم موجبات مسئولیت کیفری مرتکبان انسانی را فراهم می‌آورد و هم از اسباب مسئولیت بین‌المللی دولت‌های دخیل است. بخش نخست مقاله، عهده‌دار مسئولیت‌خواهی کیفری فردی است که در دو فاز تحقیق و تعقیب ملی و بین‌المللی صورت گرفته است. بخش دوم نیز به مسئولیت‌خواهی بین‌المللی نسبت به دولت میانمار از رهگذر پرونده مطرح‌شده علیه دولت این کشور با ابتکار عمل دولت گامیبا به واسطه نقض تعهدات برخاسته از کنوانسیون مجازات و پیشگیری جرم نسل‌کشی می‌پردازد.

۱. مسئولیت کیفری فردی

پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات بین‌المللی با استفاده از دو ابزار تعقیب و تحقیق صورت می‌گیرد. لازمه و مقدمه مسئولیت‌خواهی بین‌المللی، انجام تحقیقات است. مقام تحقیق مقدم بر تعقیب است؛ از این رو، در مسئولیت‌خواهی فردی یا دولتی گریز و گزیری از تحقیق و گردآوری اطلاعات و مستندات برای محاکمه و محکمه نمی‌باشد. چنین است که سازمان ملل متحد در مواجهه با نقض‌های حقوق بشر از دیرباز اقدام به تأسیس نهادهای تحقیقی اعم از کمیسیون‌های تحقیق و یا هیئت‌های حقیقت‌یاب نموده است.^۱ نقش این نهادهای تحقیقی در تضمین مسئولیت و پاسخ‌دهی ناقضان حقوق بشر بسیار کلیدی است (UN Human Rights Council, 2015: 6).

۱-۱. تحقیق بین‌المللی

در قضیه میانمار، «شورای حقوق بشر» سازمان ملل متحد در دو مقطع اقدام به تأسیس نهادهای تحقیقی کرده است. نخست در سال ۲۰۱۷ میلادی، «هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی راجع به میانمار»^۲ با مأموریت کشف و ثبت حقیقت در ارتباط با نقض‌های حقوق بشر توسط ارتش و نیروهای امنیتی میانمار تأسیس شد. مأموریت این

۱. برای نمونه می‌توان به کمیسیون تحقیق مستقل بین‌المللی سوریه (۲۰۱۱)، گروه کارشناسان راجع به پاسخ‌دهی در سریلانکا (۲۰۱۰) و هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد راجع به جنگ غزه (۲۰۰۹) اشاره نمود.

2. UN Independent International Fact-Finding Mission on Myanmar (IIFMM).

هیئت سه نفره بعد از صدور چندین گزارش در سپتامبر ۲۰۱۹ میلادی پایان یافت. هرچند که این هیئت به دلیل عدم موافقت دولت میانمار، قادر به سفر به این کشور نشد، لیکن گزارش‌ها و یافته‌های آن، مبنای اصلی اقدام دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت (Jacobs, 2020). با پایان یافتن مأموریت تحقیقی این هیئت، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اقدام به تأسیس «مکانیسم تحقیقی مستقل برای میانمار»^۱ نمود.^۲ مکانیسم شورای حقوق بشر، فعالیت خود را از آگوست ۲۰۱۹ میلادی با مأموریت جمع‌آوری ادله در ارتباط با شدیدترین جرایم بین‌المللی با هدف آماده‌سازی پرونده‌های کیفری برای ارائه پرونده‌های آماده تعقیب و دادرسی به محاکم ملی یا منطقه‌ای و یا بین‌المللی آغاز نمود. البته شرط همکاری مکانیسم با نهادهای قضایی دیگر در سطح ملی یا منطقه‌ای آن است که آن‌ها قواعد دادرسی منصفانه را در اقدامات قضایی خود رعایت کنند. مکانیسم میانمار در آگوست ۲۰۱۹ اولین گزارش خود را منتشر ساخت. در این گزارش بر ضرورت مسئولیت‌خواهی بدون تأخیر نسبت به جرایم واقع‌شده در میانمار تأکید شده بود؛ چرا که تداوم بی‌کیفرمانی به تداوم خشونت‌ها و جنایت‌ها می‌انجامد (UN Human Rights Council, 2019: paras. 59-60). مأموریت این مکانیسم، شبیه «مکانیسم تحقیقی مستقل بین‌المللی برای سوریه»^۳ است. در دسامبر ۲۰۱۶ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مواجهه با بن‌بست ارجاع وضعیت سوریه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل وتوی روسیه، در یک اقدام بی‌سابقه اقدام به تأسیس «مکانیسم بین‌المللی مستقل و بی‌طرف» برای گردآوری ادله و مستندات نقض‌های حقوق بشر در کشور سوریه از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد نمود. مقر این مکانیسم در ژنو سوئیس است. ماده چهار قطعنامه مجمع عمومی، هدف از تأسیس این مکانیسم را «گردآوری، یکپارچه‌سازی، نگهداری و تحلیل ادله نقض‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر، و آماده‌سازی پرونده‌ها به منظور تسهیل و تسریع دادرسی‌های مستقل

1. Independent Investigative Mechanism for Myanmar (IIMM).
2. The Human Rights Council resolution, September 2018.
3. International, Impartial and Independent Mechanism (IIIM).

منصفانه منطبق با معیارهای بین‌المللی در محاکم ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی که در حال حاضر یا آینده دارای صلاحیت نسبت به این جرایم وفق حقوق بین‌الملل هستند»، بیان کرده است. بنابراین مکانیسم مجمع عمومی هرچند یک دادگاه نمی‌باشد و صلاحیت قضایی ندارد، لیکن با کارکردی تحقیقاتی و از رهگذر آماده‌سازی پرونده‌ها، مقدمات برگزاری یک محکمه را فراهم می‌سازد (ذاکر حسین، ۱۳۹۵).

مکانیسم‌های تحقیقی تأسیس شده از سوی شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به میانمار و سوریه، محصول رویکرد نوظهوری در نظام عدالت کیفری بین‌المللی است که بر اساس آن در موارد و مواقعی که امکان ایجاد یک محکمه بین‌المللی یا منطقه‌ای و ملی برای تحت تعقیب قرار دادن جرایم بین‌المللی وجود ندارد، جامعه جهانی با هدف حفظ آثار و ادله جرم و همچنین تسهیل و تسریع امر تعقیب در آینده، اقدام به ایجاد مکانیسم‌های تحقیقی با رویکرد تعقیبی می‌نماید. پیش از تأسیس مکانیسم‌های ویژه سوریه و میانمار نیز کمیسیون‌های تحقیق در راستای شناسایی ناقضان حقوق بشر مأموریت می‌یافتند؛ برای نمونه «کمیسیون دارفور سودان» (۲۰۰۴) از سوی شورا امنیت سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه ۱۵۶۴، مأمور به شناسایی مرتکبان نقض‌های صورت گرفته به منظور پاسخ‌گو کردن و مسئولیت‌خواهی نسبت به ایشان بود.^۱ با این حال، کمیسیون‌های تحقیق صرفاً اقدام به شناسایی و فهرست کردن نام عده‌ای از مظنونان می‌کنند. این در حالی است که مکانیسم‌های جدید دیگر تنها به گردآوری ادله جرم و کشف حقیقت نمی‌پردازند، بلکه بر اساس موازین تعقیب کیفری به ارزیابی و بررسی ادله گردآوری شده پرداخته و با شناسایی متهمان و اتهامات وارده به ایشان، اقدام به ایجاد و آماده‌سازی پرونده‌های کیفری می‌کنند.

۲-۱. تعقیب بین‌المللی

در فروردین ماه ۱۳۹۷، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بنا بر صلاحدید خود و متعاقب بررسی و ارزیابی مکاتبات دریافتی و گزارش‌های عمومی نهادهای بین‌المللی مختلف مانند «دفتر کمیساری عالی حقوق بشر» سازمان ملل متحد و هیئت حقیقت‌یاب

1. Security Council resolution 1564 (2004).

شورای حقوق بشر ملل در ارتباط با اخراج حدود ۶۷۰ هزار مسلمان روهینگیایی ساکن در میانمار، اقدام به استفساریه‌ای از دادرسان دیوان در ارتباط با صلاحیت این محکمه نسبت به قضیه میانمار نمود. دیوان فاقد صلاحیت جهانی است و تنها نسبت به جرایمی که در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو و یا توسط اتباع این دولت‌ها ارتکاب یافته باشد، صاحب صلاحیت است (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). از آنجا که دولت میانمار عضو دیوان نیست، این نهاد علی‌الاصول فاقد صلاحیت نسبت به جرایم ارتکاب‌یافته در قلمرو سرزمینی میانمار است؛ مگر آنکه شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصمیم‌گیری بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، قضیه میانمار را به دادستانی دیوان ارجاع دهد؛ اقدامی که تا کنون محقق نشده است. در غیاب اقدام شورای امنیت، دادستان دیوان به جای تحت تعقیب قرار دادن تمام جرایم واقع‌شده در میانمار به سراغ دسته‌ای از جرایم رفت که بنا بر تفسیر دادستان، داخل در صلاحیت دیوان به نظر می‌رسیدند. براین اساس، دادستان در استفساریه خود از دادرسان شعبه پیش-دادرسی استعلام نمود که آیا دیوان نسبت به جرم خاص «اخراج»^۱ مسلمانان روهینگیایی از کشور میانمار به کشور بنگلادش به عنوان یکی از رفتارهای سازنده جرایم علیه بشریت، دارای صلاحیت سرزمینی است یا خیر (ICC OTP, April 2018: para. 4).^۲ به گفته دادستان، اخراج اجباری مردم روهینگیایی هرچند از سال ۲۰۱۲ آغاز شده بود، لیکن در آگوست ۲۰۱۷، این جنایت به مرحله و سطح تازه و چشمگیری رسید که برای چندین ماه ادامه داشت (ICC OTP, April 2018: para. 8). لازم به ذکر است که بنگلادش از سال ۲۰۱۰ میلادی به عضویت دیوان درآمده است.

جرم اخراج اجباری از رفتارهای سازنده جرایم علیه بشریت است که در ماده هفت «اساسنامه رم» تصریح شده است. این رفتار بنا بر تعریف قانون «عناصر جرایم» دیوان به معنای اخراج یک جمعیت غیر نظامی به وسیله رفتارهای قهری از کشوری است که

1. Deportation of Population.

۲. ماده ۱۹ سند مؤسس دیوان، موسوم به «اساسنامه رم»، این اختیار را به دادستان می‌دهد که در هر مرحله‌ای از اقدامات قضایی نسبت به مسئله صلاحیت دیوان از دادرسان نظرخواهی نماید تا بتواند براساس یافته‌های آن اقدام کند. این نخستین بار در تاریخ دیوان بود که دادستان از این اختیار خود در این مرحله از فرایند قضایی استفاده می‌کرد.

به صورت قانونی در آن ساکن هستند، بدون آنکه دلایل موجهی از منظر حقوق بین‌الملل برای این کار در میان باشد.^۱ جرم‌انگاری این رفتار برای صیانت از حق افراد نسبت به زندگی در خانه و جامعه خویش صورت گرفته است (ICTY, 2003: para. 218). قید «حضور قانونی» به دولت‌ها به اجازه می‌دهد تا فردی را که حق سکونت در یک کشور ندارد، اخراج کنند (Bassiouni, 2011: 394). با این حال باید توجه داشت که معیار سکونت قانونی در یک کشور تنها حقوق داخلی نیست؛ چرا که این تفسیر می‌تواند به دولت‌ها بهانه‌ای برای اخراج اقلیت‌ها بدهد. از این رو معیار در اینجا رعایت موازین حقوق بین‌الملل است (Chetail, 2016: 925)؛ برای نمونه، اخراج دسته‌جمعی، اخراج بدون رعایت تضمینات شکلی، و اخراجی که منتج به نقض حقوق بشر افراد اخراج‌شونده گردد، ممنوع است (Ibid.). قید دلایل موجه نیز ناظر به موقعیت‌هایی است که امکان انتقال جمعیت بنا بر ضرورت‌های موجود مجاز می‌شود؛ برای نمونه، در زمان مخاصمات مسلحانه در صورتی که امنیت غیر نظامیان چنین اقتضا کند، امکان جابه‌جایی جمعیت وجود دارد (روستایی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۶۲). بند دال پاراگراف اول ماده ۷ اساسنامه رم، جرم اخراج اجباری جمعیت به مثابه یکی از رفتارهای سازنده جرایم علیه بشریت را به همراه جرم «انتقال اجباری» بیان کرده است.^۲ با این حال، میان این دو رفتار مجرمانه تفکیک و تمایز وجود دارد (Hall & Stahn, 2016: 192). جرم اخراج، ناظر به جابه‌جایی از کشوری به کشور دیگر است، در حالی که انتقال اجباری جمعیت عبارت است از جابه‌جایی جمعیت غیر نظامی در درون مرزهای یک کشور که بر خلاف جرم اخراج، مستلزم ورود به کشور دیگر نیست (ICTY, 2006: para. 268). به بیان دیگر، اخراج دارای یک عنصر اضافی نسبت به جرم انتقال اجباری است و آن، لزوم عبور از یک مرز بین‌المللی است (ICTY, 2010: para. 892). هرچند که جرم اخراج در اساسنامه محاکم موردی یوگسلاوی و رواندا به صراحت مورد شناسایی واقع شده بود،^۳ لیکن جرم انتقال

1. Elements of crimes 7(1)(d).

2. Forcible Transfer.

۳. بند دال ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و بند دال ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا.

اجباری جمعیت تنها در اساسنامه رم تصریح شده و در محاکم موردی، ذیل عنوان کلی «سایر رفتارهای غیر انسانی» تحت تعقیب قرار می‌گرفت (ICTY, 2006: para. 317).^۱

عنصر مادی جرم اخراج جمعیت، از دو مؤلفه تشکیل شده است: الف) رفتارهای قهری منتهی به اخراج اجباری؛ ب) جابه‌جایی جمعیت. از منظر عنصر الزام، جرم اخراج را جرم با «رفتار-باز»^۲ نامیده‌اند؛ چرا که مرتکب ممکن است با ارتکاب رفتارهای چندگانه و مختلف مانند کشتار، خشونت‌های جنسی و غارت و شکنجه، موجبات اخراج را فراهم آورد (ICC, 4 February 2012: para. 244). بخش و جزء جابه‌جایی نیز لزوماً در خاک و قلمرو کشور دیگر محقق می‌شود؛ چرا که برای تحقق این عنوان مجرمانه، جمعیت اخراج شده باید با عبور از مرزهای بین‌المللی، وارد قلمرو کشور دیگر شود. در این صورت به مانند سناریوی شلیک از یک سوی مرز به هدفی آن سوی مرز، بخشی از عنصر مادی جرم در کشوری دیگر محقق و کامل می‌شود (ICC, 9 April 2018: para. 13).

بنا بر ماده ۱۲ اساسنامه رم، یکی از پیش‌شرط‌های اعمال صلاحیت از سوی دیوان آن است که دولتی که رفتار مورد نظر در قلمرو سرزمینی آن واقع شده است، عضو دیوان باشد یا صلاحیت دیوان را پذیرفته باشد. اما معنای «رفتار» و اینکه آیا وقوع جرم، مستلزم تحقق تمام عناصر سازنده جرم در قلمرو یک کشور است یا خیر، در اساسنامه رم مشخص نشده است. با این حال بر اساس آموزه‌ها و موازین حقوق بین‌الملل، این صلاحیت برای دولت‌ها تجویز و مستقر شده است که بتوانند جرایمی را که تنها بخشی از آن در سرزمینشان واقع شده است، تحت تعقیب قرار بدهند (Keefe, 2015: 10). در اینجا، یا «صلاحیت سرزمینی شخصی»^۳ (جایی که جرم در کشور رسیدگی‌کننده آغاز

۱. لازم به ذکر است که رفتار مادی انتقال یا اخراج اجباری جمعیت در صورتی که همراه با قصد خاص نابودسازی جمعیت باشد، می‌تواند به آستانه جرم نسل‌کشی نیز برسد؛ به ویژه آنکه از حیث عنصر مادی، میان جنایت علیه بشریت و جرم نسل‌کشی همپوشانی قابل توجهی وجود دارد و وجه فارق این دو در عنصر معنوی خاص نسل‌کشی است (برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع و انطباق آن با قضیه میانمار، ر.ک: روستایی و آرش‌پور، ۱۳۹۵: ۴۵-۷۳).

2. Open-Conduct.

3. Subjective Territoriality.

می‌شود، اما در کشور دیگری تمام و تکمیل می‌شود) یا «صلاحیت سرزمینی نوعی»^۱ (جایی که جرم در کشور رسیدگی‌کننده تمام می‌شود، در حالی که در کشور دیگری آغاز شده) قابل اعمال است (Vagias, 2014: 16-22). در ابتدا تنها جنبه شخصی صلاحیت سرزمینی مورد توجه بود. دلیل رجحان این جنبه آن بود که دولت سرزمینی محل شروع جرم، دسترسی بهتری به ادله اثباتی داشت (Maillart, 2019: 380). با این حال به مرور مشخص شد که تمرکز صرف بر جنبه شخصی صلاحیت سرزمینی کفایت نمی‌کند و جرایمی وجود دارند که هرچند آن سوی مرزها واقع می‌شوند، لیکن آثار مخرب آن‌ها به درون مرزها نیز سرایت می‌کند. از این رو، جنبه عینی صلاحیت سرزمینی نیز برای توانمندسازی دولت‌های متأثر از جرم در مقابله با جرایم مورد توجه واقع شد.

در قضیه میانمار، اقدامات قهری که منتهی به اخراج مسلمانان شد، در کشور میانمار که عضو دیوان نیست، آغاز شد؛ لیکن جزء دیگر جرم یعنی ورود به کشور دیگر، در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو یعنی بنگلادش واقع شده است. بنابراین از آنجا که عنصر اجبار از عنصر جابه‌جایی متفاوت و منفک است، وقوع هر یک از این عناصر در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو (چه دولت فرستنده جمعیت باشد، چه دولت دریافت‌کننده جمعیت)، مشمول بند الف پاراگراف دو ماده ۱۲ اساسنامه و داخل در صلاحیت سرزمینی دیوان خواهد بود (ICC, 9 April 2018: para. 28). این تفسیر از قلمرو صلاحیت سرزمینی در بسیاری از نظام‌های حقوق کیفری جهان مورد پذیرش واقع شده است؛^۲ از جمله نظام حقوقی ایران که دادستان دیوان در درخواست خود آن نیز به عنوان یکی از دولت‌های پذیرنده این نوع صلاحیت اشاره کرده است (ICC, 9 April 2018: para. 40).^۳ از این صلاحیت به «صلاحیت سرزمینی حکمی» تعبیر می‌شود (خالقی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). معقول و مقبول بودن اعمال موسع صلاحیت سرزمینی تا آن میزان بوده است که حتی پیش از قضیه میانمار، دادستانی دیوان در عمل نیز

1. Objective Territoriality.

۲. دادستان در متن درخواست خود تصریح می‌کند که حداقل ۶۶ دولت، صلاحیت سرزمینی نسبت به جرایمی را که تنها بخشی از آن در قلمروشان واقع شده است، پذیرفته‌اند (پاراگراف ۳۹).

۳. ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هر گاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است».

بر اساس باورمندی به آن اقدام می‌کرد (ر.ک: خالقی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۹)؛ برای نمونه، در قضیه «جمهوری کره» در ارتباط با بمباران سال ۲۰۱۰ جزیره‌ای متعلق به کره جنوبی از سوی کره شمالی، دادستانی دیوان با احراز صلاحیت سرزمینی نسبت به قضیه مذکور اعلام داشت که رفتار شلیک (از کشور غیر عضو یعنی کره شمالی) از رفتار اصابت (که در قلمرو کشور عضو یعنی کره جنوبی واقع شده است) قابل تفکیک نمی‌باشد (ICC, June 2014: para. 39). با این حال در قضیه میانمار، دادستان ترجیح داد تا پیش از اقدام، نظر دادرسان دیوان را در مورد قلمرو صلاحیت سرزمینی دیوان جویا شود.

دادستان دیوان در استفساریه خود بر اساس ماده ۱۹ اساسنامه رم اعلام داشت که شعبه پیش-دادرسی می‌تواند از دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد حقیقی دعوت کند تا بر مبنای قاعده ۱۰۳ نسبت به اشتراک گذاشتن نظرات خود به عنوان «دوست دادگاه»^۱ درخواست بدهند (ICC, 9 April 2018: para. 61). قاعده ۱۰۳ از قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان، این اختیار را برای دولت‌های عضو و غیر عضو و همچنین کنشگران غیر دولتی فراهم می‌آورد تا در هر مرحله از دادرسی، نظرات خود را در ارتباط با موضوعات در دستور کار دیوان با اجازه و صلاحدید دادرسان به سمع و نظر این مرجع برسانند. این آیین، ظرفیتی برای کنشگری عدالت خواهانه نزد دیوان کیفری بین‌المللی فراهم می‌آورد که هم کنشگران دولتی و هم غیر دولتی و حتی اشخاص حقیقی می‌توانند رویکردها و تفسیرهای موافق با عدالت را در دیوان تقویت کنند. در مسیر پاسخ‌دهی به استفساریه دادستان، چندین نهاد بین‌المللی غیر دولتی نیز به عنوان دوستان دادگاه، نظرات خود را در ارتباط با صلاحیت سرزمینی دیوان اعلام داشتند.^۲ متعاقب اخذ و استماع این نظرات، در سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی (شهریورماه ۱۳۹۷) شعبه اول پیش-دادرسی دیوان، تصمیم خود را در ارتباط با استفساریه دادستان راجع به صلاحیت دیوان نسبت به «وضعیت میانمار» اعلام نمود. بر این اساس، دادرسان دیوان استدلال‌های اقامه‌شده از

1. Amicus curiae.

2. E.g. see: ICC, Decision on the “Request for Leave to Submit Amicus Curiae Observations by the International Commission of Jurists (pursuant to Rule 103 of the Rules)”, 29 May 2018.

سوی دادستان و تفسیر وی درباره قلمرو صلاحیت سرزمینی را مورد تأیید و ابرام قرار دادند. همچنین خود دادرسان نیز ادله دیگری در تقویت این ایده اقامه کردند؛ از جمله آنکه محروم کردن دیوان از اعمال صلاحیت نسبت به جرمی که بخشی از آن خارج از قلمرو دولت‌های عضو واقع شده است، در حالی که خود آن دولت‌ها بنا بر اصول حقوق بین‌الملل می‌توانند به چنین جرایمی رسیدگی کنند، خلاف مقاصد و اهداف مؤسس دیوان است (ICC, 6 September 2018: para. 69-71). صلاحیت دیوان تفویضی است و دولت‌ها همان صلاحیتی را که خود دارند، به دیوان تفویض می‌کنند (Luban, 2010: 579). بنابراین چون صلاحیت سرزمینی حکمی، مورد قبول اکثر دولت‌هاست، این صلاحیت به دیوان نیز تفویض شده است. در نهایت و بر اساس استدلال‌های صورت گرفته، دیوان نسبت به جرم اخراج مردم روهینگیا از میانمار به بنگلادش صالح دانسته شد (ICC, 6 September 2018: para. 30). دادرسان شعبه پیش‌دادرسی علاوه بر جرم اخراج روهینگایی‌ها، با تنقیح مناط و اخذ معیار تجویز صلاحیت دیوان، دو رفتار مجرمانه دیگر را که علیه مسلمانان میانمار واقع شده بود، نیز داخل در صلاحیت دیوان دانستند؛ اول جرم «آزار و تعقیب»^۱ اقلیت مسلمان در میانمار و دوم «سایر رفتارهای غیر انسانی»^۲ که در بند «کا» ماده هفت اساسنامه رم به عنوان یکی از رفتارهای سازنده جرایم علیه بشریت جرم‌انگاری شده است. در هر دوی این جرایم، اجبار غیر قانونی اخراج‌شدگان به ماندن در خارج از میانمار به عنوان مؤلفه سازنده جرایم یادشده قلمداد شد که در کشور عضو دیوان یعنی بنگلادش محقق شده است (ICC, 6 September 2018: para. 78).

دادرسان شعبه پیش‌دادرسی در پاسخ به استفساریه دادستان، با اشاره به موازین حقوق بشری مبنی بر لزوم انجام بدون تأخیر تحقیقات و حق بزه‌دیدگان بر دانستن حقیقت، از دادستان خواستند تا نسبت به پایان ارزیابی مقدماتی و آغاز رسمی تحقیقات شتاب کند (ICC, 6 September 2018: para. 88). در اجابت این درخواست، دادستان دیوان بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه رم و بر مبنای صلاحدید خود در جولای ۲۰۱۹

1. Persecution.
2. Other Inhumane Acts.

میلادی از شعبه پیش-دادرسی دیوان برای آغاز تحقیقات نسبت به قضیه میانمار/بنگلادش و به طور خاص در ارتباط با جرایمی که حداقل یک عنصر سازنده آن در کشور بنگلادش واقع شده باشد، درخواست صدور مجوز نمود. دادستان دیوان در درخواست خود با تکرار یافته‌های پیشین درباره صلاحیت دیوان، به مسئله «قابلیت پذیرش»^۱ قضیه میانمار نیز پرداخت. به همین مناسبت و در بررسی اصل «صلاحیت تکمیلی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های قابلیت پذیرش، دادستان با اشاره به تشکیل تیم تحقیق از سوی ارتش میانمار در ارتباط با وقایع سال ۲۰۱۷ در استان راخین اعلام داشت که تحقیقات صورت گرفته در میانمار در ارتباط با پرونده‌های بالقوه‌ای که احتمالاً مورد تعقیب دیوان واقع خواهد شد، نبوده است؛ علاوه بر آنکه این تحقیقات به دلیل سوگیری فاقد اصالت لازم بوده است (ICC, 4 July 2019: paras. 233-237). بر همین اساس و با توجه به شدت‌مندی بحران میانمار به واسطه گستره و ماهیت جرایم واقع شده در آن، دادستان این قضیه را قابل پذیرش دانست (ICC, 4 July 2019: para. 145).

متعاقب درخواست دادستان و بررسی‌های صورت گرفته از سوی شعبه پیش-دادرسی، دادرسان دیوان به اتفاق آرا در نوامبر سال ۲۰۱۹ میلادی، مجوز آغاز تحقیقات را نسبت به «قضیه میانمار/بنگلادش» صادر کردند. بر اساس رأی صادره، دادرسان دیوان پذیرفتند که مبنای معقولی وجود دارد که جرایم علیه بشریت از رهگذر اخراج اجباری غیر نظامیان روهینگیا از میانمار به بنگلادش و همچنین تعقیب و آزار ایشان، بر مبنای قومیت و مذهب رخ داده است. دادرسان در مجوز خود با اشاره به اینکه بنا بر اطلاعات در دسترس، میان ۶۰۰ هزار تا یک میلیون مسلمان روهینگایی مجبور به ترک خانه خود از میانمار به کشور بنگلادش شده‌اند، قضیه میانمار را دارای «شدت‌مندی لازم»^۲ برای آغاز تحقیقات دانستند و در نتیجه برای تحقیقات دیوان قابل پذیرش قلمداد کردند (ICC, 14 November 2019: para. 118). همچنین دادرسان با اشاره به اینکه بر اساس گزارش «دبیرخانه» دیوان، تمام بزه‌دیدگان مشارکت‌کننده در فرایند صدور مجوز، خواهان آغاز تحقیقات از سوی دادستان دیوان بوده‌اند، تداوم تحقیقات را

1. Admissibility.
2. Sufficient Gravity.

به «نفع عدالت»^۱ دانستند (ICC, 14 November 2019: para. 119). در رأی صادره، دادرسان شعبهٔ پیش‌دادرسی حدود مجوز صادرشده برای انجام تحقیقات دادستان را نیز مشخص ساختند. بنا بر نظر ایشان، از حیث قلمرو سرزمینی دادستان می‌تواند نسبت به هر جرمی که حداقل بخشی از آن در بنگلادش و یا هر دولت عضو دیگری واقع شده باشد، مادامی که میان آن جرم و قضیه میانمار ربط کافی برقرار باشد، رسیدگی کند (ICC, 14 November 2019: para. 125). در ارتباط با صلاحیت موضوعی نیز دادرسان تأکید داشتند که تمام جرایم داخل در صلاحیت دیوان، مادامی که با قضیه اصلی در میانمار مرتبط باشد، حتی اگر در درخواست دادستان مورد تصریح واقع نشده باشند، قابل رسیدگی است؛ چرا که در مرحله ارزیابی مقدماتی، امکان شناسایی تام حوادث و جرایم برای دادستان وجود ندارد (ICC, 14 November 2019: paras. 126-128). همین مجوز نیز در ارتباط با صلاحیت زمانی تحقیقات دادستان صادر شد. بر این اساس، دادرسان اعلام نمودند که تمام جرایم واقع شده از اول ژوئن ۲۰۱۰ میلادی (تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رم برای بنگلادش) داخل در صلاحیت دیوان است و این صلاحیت نسبت به جرایم واقع شده بعد از صدور مجوز تحقیقات نیز به شرط ربط میان آن جرایم و اصل قضیه میانمار باقی است (ICC, 14 November 2019: paras. 131-133). با صدور این مجوز، فرایند تحقیقات کامل با هدف تعقیب نمودن پرونده‌های شناسایی شده در قضیه میانمار از سوی دادستان دیوان آغاز شده است که در جریان می‌باشد.

ابتکار عمل دادستان در باز کردن مسیری برای ورود به قضیه میانمار و تعقیب جرایم صورت گرفته در آن کشور، هرچند که از جامعیت لازم نسبت به تمام جنایات واقع شده برخوردار نباشد، دارای این فایده است که نظام عدالت کیفری بین‌المللی در قبال جنایات‌های صورت گرفته علیه مسلمانان در میانمار سکوت پیشه نکرده و اقدامی عملی در جنگ حقوقی علیه جنایات‌های بین‌المللی صورت گرفته علیه مسلمانان میانمار انجام داده است. اما اقدام جامعه جهانی در قبال جنایات‌های میانمار تنها محدود به مسئولیت‌خواهی کیفری نسبت به مرتکبان این جنایت در سطح بین‌المللی نبوده است،

1. Interests of Justice.

بلکه این مسئولیت‌خواهی در سطح ملی نیز مورد مطالبه واقع شده است.

۳-۱. تعقیب ملی

در مقابله با جرایم بین‌المللی صورت گرفته علیه مسلمانان میانمار، از ظرفیت موجود در زرادخانه حقوق ملی برخی دولت‌ها یعنی «صلاحیت جهانی» نیز بهره‌برداری شده است. صلاحیت جهانی از تأسیسات نظام عدالت بین‌المللی است که در اختیار دولت‌ها قرار گرفته تا بتوانند علیه جنایات بین‌المللی اقدام و همکاری داشته باشند. هدف از وضع صلاحیت جهانی، مقابله با «بی‌کیفرمانی»^۱ است تا بهشت امنی برای جنایت‌پیشگان وجود نداشته باشد. میزان تعهد یک دولت در مقابله با جنایات بین‌المللی را باید در میزان اقبال آن به صلاحیت جهانی وزن نمود. منظور از صلاحیت جهانی، توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی یک کشور برای رسیدگی به جرمی است که نه در قلمرو آن واقع شده است و نه توسط یا علیه اتباع آن صورت گرفته است (شریعت باقری، ۱۳۹۱: ۱۰۳). صلاحیت جهانی مبتنی بر این ایده است که برخی از جرایم به دلیل آنکه علیه منافع و ارزش‌های جهان‌شمول است، تمام دولت‌ها را برای رسیدگی به مرتکبان این جرایم صالح می‌سازد. در صلاحیت جهانی، مبنای اعطای صلاحیت ارتباط جرم یا مجرم با دولت اعمال‌کننده صلاحیت نیست، بلکه این ماهیت خاص این دسته از جرایم است که منشأ صلاحیت شده است (Dixon, 2007: 147). در اینجا دولت اعمال‌کننده صلاحیت، هیچ ارتباط مستقیمی با جرم واقع شده ندارد، بلکه فارغ از محل ارتکاب جرم و تابعیت بزه‌کار و یا بزه‌دیده و بدون آنکه جرم به صورت مستقیم علیه منافع و امنیت دولت رسیدگی‌کننده باشد، مرتکب این جرایم توسط محاکم آن کشور تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر، اقبال به استفاده از صلاحیت جهانی در غیاب وجود مکانیسم‌های بین‌المللی مؤثر به ویژه در مقابله با جنایت‌های بین‌المللی در سوریه فراوان شده است.^۲

1. Impunity.

۲. برای مطالعه بیشتر تحولات ناظر به صلاحیت جهانی، ر.ک:

International Trial, "Universal Jurisdiction Annual Review", Available at: <https://trialinternational.org/wp-content/uploads/2020/03/TRIAL-International_UJAR-2020_DIGITAL.pdf>.

در ارتباط با قضیه میانمار نیز در سال ۲۰۱۹ میلادی یک نهاد مدنی انگلیسی در کشور آرژانتین به نمایندگی از برخی بزه‌دیدگان روهینگایی، اقدام به طرح شکایت علیه جنایت علیه بشریت و جرم نسل‌کشی صورت گرفته در میانمار نمود، که پرونده آن در مراحل مقدماتی در جریان می‌باشد.^۱ آرژانتین صلاحیت جهانی محاکم ملی خود را نسبت به جرایم بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد. در صورتی که محاکم قضایی آرژانتین نسبت به این پرونده اقدام نمایند، این نخستین باری خواهد بود که یک دولت ملی بر اساس صلاحیت جهانی نسبت به جرایمی که در دستور کار دیوان کیفری بین‌المللی قرار خواهد داشت، ورود پیدا کرده است. شایان ذکر است که در این صورت، رابطه میان دیوان کیفری بین‌المللی و اقدامات قضایی در آرژانتین، بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی تنظیم می‌شود (Bo, 2019). بر اساس این اصل، اقدامات ملی در مقابله با جنایات بین‌المللی مقدم است.

۲. مسئولیت بین‌المللی دولت

به موازات مسئولیت کیفری فردی مباشران، طراحان و آمران جنایت‌های بین‌المللی صورت گرفته علیه مسلمانان در میانمار، دولت این کشور نیز در ارتباط با این جرایم دارای مسئولیت بین‌المللی است. این مسئولیت در ارتباط با وقوع جرم نسل‌کشی مورد مطالبه واقع شده است. دولت میانمار عضو «کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی»^۲ مصوب ۱۹۴۸ میلادی است. بر اساس تعهدات بر ساخته این معاهده، میانمار ملزم به پیشگیری از وقوع نسل‌کشی و همچنین تعقیب و محاکمه مرتکبان این جرم می‌باشد. عدم اجرای این تعهدات و یا نقض آن‌ها از سوی دولت میانمار به عنوان یک «رفتار متخلفانه بین‌المللی»، موجبات استقرار مسئولیت بین‌المللی دولت میانمار را فراهم می‌آورد (برای مطالعه بیشتر درباره ارکان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ر.ک: مستقیمی و طارم‌سری، ۱۳۷۷).

ماده نهم کنوانسیون نسل‌کشی تصریح می‌کند که اختلافات دولت عضو در ارتباط با تفسیر، اعمال و اجرای کنوانسیون و از آن جمله در ارتباط با مسئولیت دولت‌های عضو در قبال رفتارهای مجرمانه مرتبط با نسل‌کشی باید در «دیوان بین‌المللی

۱. متن شکایت قابل دسترس در: <<https://burmacampaign.org.uk/media/Complaint-File.pdf>>.

2. The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide.

دادگستری» مورد رسیدگی واقع شود. دولت میانمار نسبت به این ماده تحفظ و حق شرطی نداشته است و بنابراین طرح دعوی بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی علیه میانمار به دلیل نقض تعهدات معاهده‌ای ممکن است.^۱ در بستر این ظرفیت و فرصت حقوقی، کشور «جمهوری گامبیا» که خود عضو کنوانسیون نسل‌کشی است، در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۹ میلادی اقدام به شکایت علیه میانمار در دیوان بین‌المللی دادگستری نمود. بنا بر نظر مشورتی سال ۱۹۵۱ دیوان در ارتباط با کنوانسیون نسل‌کشی و حق شرط نسبت به آن، در اقامه شکایت بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی لازم نیست که جرم در قلمرو سرزمینی دولت شکایت‌کننده و یا علیه اتباع آن صورت گرفته باشد، بلکه تمام دولت‌های عضو کنوانسیون دارای یک «نفع مشترک»^۲ یعنی تحقق اهداف عالی کنوانسیون هستند که ایشان را محق به شکایت نسبت به نقض این اهداف می‌کند (ICJ, 28 May 1951: 23). بنابراین، متأثر بودن مستقیم از جرم نسل‌کشی، شرط لازم برای اقامه دعوی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی نخواهد بود. پیش از این نیز در پرونده «بلژیک علیه سنگال»، دیوان اعلام نموده بود که صرف عضویت بلژیک در «کنوانسیون ضد شکنجه» برای طرح شکایت علیه سنگال به دلیل عدم پیشگیری از جرم شکنجه و عدم تعقیب مرتکبان آن حتی بدون ارتباط فیزیکی با جرم صورت گرفته در سنگال کافی است؛ چرا که هر دولت عضو کنوانسیون ضد شکنجه می‌تواند مسئولیت دولت عضو دیگر را به دلیل عدم ایفای «تعهدات در قبال طرفین»^۳ مطالبه

۱. در سال ۱۹۹۳ میلادی، دولت جمهوری بوسنی و هرزگوین علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی سابق (صربستان فعلی) بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی طرح شکایت نمود. دیوان در ابتدا در سال ۱۹۹۶، صلاحیت خود را برای رسیدگی به این دعوی احراز نمود و ایراد صلاحیتی یوگسلاوی را رد کرد. در نهایت پس از یک بررسی طولانی در سال ۲۰۰۷ میلادی، کشور صربستان را به دلیل عدم اقدام به پیشگیری از جرم نسل‌کشی از طریق به کار بستن تمام امکانات موجود و همچنین عدم تعقیب و محاکمه مرتکبان نسل‌کشی و مجازات ایشان از جمله به دلیل عدم همکاری با دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده ژنرال ملادچیچ مسئول شناخت. البته دیوان در این پرونده، حکم به جبران خسارت مادی نداد و تنها اعلام نقض تعهدات بین‌المللی از سوی صربستان را کافی دانست (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ICJ, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, 26 Feb 2007).

2. Common Interest.

3. Erga omnes partes.

کند (ICJ, 20 July 2012: paras. 68-69).

شکایت دولت گامبیا از میانمار علی‌رغم اینکه نسل‌کشی مسلمانان در قلمرو سرزمینی گامبیا و یا علیه اتباع و یا منافع آن واقع نشده بود، بر اساس همین نفع و حق مشترک دولت‌های عضو کنوانسیون نسل‌کشی صورت گرفت. این استدلال توسط دادرسان دیوان به هنگام صدور «دستور موقت» در ارتباط با پرونده میانمار نیز مورد ابرام واقع شد. بر این اساس، دادرسان اعلام داشتند که نه تنها دولت متأثر از جرم نسل‌کشی بلکه تمام دول عضو کنوانسیون نسل‌کشی می‌توانند مسئولیت دولت دیگر را با هدف پایان بخشیدن به نقض تعهدات معاهده‌ای خود مورد استناد قرار بدهند (ICJ, 23 January 2020: para. 41).

گامبیا دولت میانمار را متهم به ارتکاب اقدامات سازنده جرم نسل‌کشی علیه گروه روهینگیا به عنوان یک اقلیت مذهبی و قومی ساکن در میانمار نمود؛ اقداماتی که شامل قتل، تحمیل شرایط زندگی منتهی به نابودی فیزیکی، ایراد آسیب جدی جسمانی و روانی و همچنین انتقال اجباری جمعیت با هدف نابودسازی تمام یا بخشی از مسلمانان روهینگیا بوده است (ICJ, 11 November 2019: para. 2). از جمله اقدامات و سیاست‌های دولت میانمار که از سوی گامبیا به عنوان سندی بر انکار موجودیت گروه روهینگیا از سوی میانمار مورد اشاره واقع شد، ایجاد محدودیت در ازدواج و فرزندآوری مسلمانان روهینگیا و لزوم اخذ مجوز از دولت برای این امور شخصی بود. به گفته گامبیا هدف از این محدودیت، جلوگیری از گسترش نسل مسلمانان روهینگیا به صورت سازمان‌یافته بوده است (ICC, 11 November 2019: para. 33).

اقدام دیگری که از سوی دولت گامبیا در شناسایی مسئولیت دولت میانمار در وقوع نسل‌کشی در این کشور مورد استناد واقع شد، پویش‌های نفرت‌پراکنی و تحریک به نسل‌کشی است که از سوی دولت میانمار هدایت و یا تسهیل شده است. نسل‌کشی یک فرایند است (Rosenberg, 2012: 20) و به فرجام رسیدن این فرایند، در بستر نفرت‌پراکنی صورت می‌گیرد. از این روست که «تحریک به نسل‌کشی» به عنوان یک جرم مطلق و مستقل در نظام عدالت کیفری بین‌المللی نیز جرم‌انگاری شده است (ر.ک: بند ای پاراگراف ۳ ماده ۲۵ اساسنامه رم). در واقع، ادبیات نفرت و نفرت‌پراکنی‌های

رسانه‌ای می‌تواند با تأثیر بر اذهان مخاطبان، به یک فضا سازی مبتنی بر خشونت و نفرت انجامد که در بستر آن، نسل کشی نیز به وقوع پیوندد (Timmermann, 2006: 828). در اثبات موج نفرت پراکنی در میانمار علیه مسلمانان، دولت گامبیا به یافته‌های هیئت حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر درباره نقش مؤثر فیس‌بوک در میانمار در تولید ادبیات نفرت علیه مسلمانان و همچنین انتشار گسترده برخی کتاب‌های ضد اسلامی مانند کتاب *هجوم ویروس‌ها*^۱ که در آن با اشاره به مسلمانان، آن‌ها را نابودکننده سایر نژادها خوانده است، اشاره کرد (ICJ, 11 November 2019: paras. 37-47).

دولت گامبیا در شکایت خود با اشاره به مستندات فراوان تهیه‌شده از سوی «هیئت حقیقت‌یاب» شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام نمود که دولت میانمار به دلیل نقض تعهدات بین‌المللی خود بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی به واسطه ارتکاب، تبانی برای ارتکاب، تحریک و عدم پیشگیری از نسل‌کشی و همچنین عدم مجازات مرتکبان این جرم دارای مسئولیت است (ICJ, 11 November 2019: para. 111). بر همین اساس، گامبیا در شکایت خود از دیوان درخواست کرده است تا احراز و اعلان شود که دولت میانمار، تعهدات خود را بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی نقض کرده و نقض می‌کند و همچنین ملزم به توقف اقدامات نسل‌کشانه و تعقیب مرتکبان و جبران خسارت بزه‌دیدگان شود (ICJ, 11 November 2019: para. 112).

دولت گامبیا در شکایت خود علاوه بر مسئولیت‌خواهی نسبت به دولت میانمار، خواهان صدور یک دستور موقت برای اتخاذ تدابیر لازم با هدف پیشگیری از تداوم نسل‌کشی به صورت فوری نیز شد. این درخواست در ژانویه ۲۰۲۰ میلادی مورد پذیرش دیوان قرار گرفت. در دستور موقت دیوان، دادرسان در گام نخست «صلاحیت علی‌الظاهر»^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری را احراز کردند. بر این اساس، دیوان اعلام داشت که میان میانمار و گامبیا یک «اختلاف»^۳ وجود دارد که دیوان برای رسیدگی به آن بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی صالح می‌باشد (ICC, 23 January 2020: para. 37).

1. *Influx viruses*.

2. *Prima facie jurisdiction*.

3. *Dispute*.

بنا بر رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، برای صدور دستور موقت باید احراز شود که حقوقی که نقض آن‌ها مورد ادعا واقع شده و برای صیانت از آن حقوق دستور موقت مورد مطالبه است، «حقوق قابل مطالبه و موجه»^۱ باشند (ICJ, 23 July 2018: para. 43). درباره این شرط، دادرسان دیوان اعلام داشتند که گروه‌های مورد اشاره در کنوانسیون نسل‌کشی (گروه‌های مذهبی، ملی، قومی و نژادی) دارای حقوق مسلمی هستند که متناظر با آن حقوق، دولت‌ها متعهد به رعایت تکالیفی از جمله پیشگیری از نسل‌کشی و مجازات مرتکبان این جرم می‌باشند. بر اساس نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، جمعیت مسلمان روهینگیا یک گروه مورد حمایت کنوانسیون نسل‌کشی و در نتیجه دارای حقوق قابل مطالبه است (ICJ, 23 January 2020: para. 56). شرط دیگر صدور دستور موقت آن است که «صدمه جبران‌ناپذیری»^۲ ناشی از نقض حقوق قابل مطالبه محقق شود (ICJ, 3 October 2018: para. 77). در این باره نیز دادرسان دیوان بین‌المللی دادگستری با اشاره به قطعنامه ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که نسل‌کشی را انکار وجود و حیات یک گروه انسانی می‌داند، اعلام داشتند که ادله موجود حکایتگر آن است که حیات و موجودیت گروه روهینگیا به دلیل گستردگی جنایت‌های صورت گرفته علیه ایشان به مخاطره افکنده شده است که در صورت تحقق، صدمه‌ای غیر قابل جبران است (ICJ, 23 January 2020: para. 75).

بر اساس استنادات و استدلال‌های فوق‌الذکر، دادرسان دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق آرا با صدور یک دستور موقت، دولت میانمار را ملزم نمودند تا به تعهدات خود وفق کنوانسیون نسل‌کشی عمل کرده و تمام اقداماتی را که در توان و اختیار دارد، برای پیشگیری از نسل‌کشی در این کشور به کار گیرد. همچنین دادرسان دولت میانمار را ملزم کردند تا اطمینان حاصل کند که نیروهای نظامی این کشور و یا گروه‌های مسلح تحت حمایت و یا هدایت آن، هیچ رفتار سازنده جرم نسل‌کشی علیه گروه روهینگیا مرتکب نشوند. علاوه بر این، دولت میانمار ملزم شد تا از هر گونه اقدام در راستای نابود ساختن ادله و مدارک ناظر به ادعاهای نسل‌کشی جلوگیری کرده و در یک بازه

1. Plausible Rights.
2. Irreparable Harm.

زمانی تعیین شده، گزارشی به دیوان در ارتباط با اقدامات انجام شده در راستای اجرای دستور موقت ارسال دارد (ICJ, 23 January 2020: para. 86). علاوه بر این، دادرسان میانمار را ملزم کردند که گزارش دوره‌ای در ارتباط با اجرای دستورات صادر شده از سوی دیوان ارائه دهد. هدف از گزارش‌دهی، نظارت مستمر و بی‌پایان بر عملکرد میانمار بوده است (Abbott, 2020^B). بر این اساس، میانمار اولین گزارش خود را در ماه می ۲۰۲۰ میلادی به صورت محرمانه صادر نمود.

در آخرین تحول در ارتباط با اقدام گامبیا، در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ دولت‌های هلند و کانادا به صورت مشترک با صدور بیانیه‌ای قصد خود را برای ورود به پرونده گامبیا علیه میانمار اعلام داشتند.^۱ بر اساس مواد ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت‌های ثالث نیز در صورت وجود یک نفع حقوقی می‌توانند تقاضای ورود و مشارکت در یک پرونده جاری نمایند و در این صورت دیوان، صلاح‌دید صدور مجوز برای همراهی ایشان را خواهد داشت. دولت‌های هلند و کانادا در بیانیه خود با اشاره به وظیفه خود نسبت به حمایت از تلاش‌های گامبیا در مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایت‌های صورت گرفته در میانمار اعلام داشتند که این دو دولت مایل هستند در موضوعات حقوقی پیچیده‌ای که احتمالاً در این پرونده مطرح می‌شود، در کنار و حامی دولت گامبیا باشند و دولت‌های دیگر را نیز به حمایت از تلاش‌های گامبیا فرا خوانند.^۲

1. Joint statement of Canada and the Kingdom of the Netherlands regarding intention to intervene in The Gambia v. Myanmar case at the International Court of Justice, 2 September 2020, Available at: <<https://www.government.nl/documents/diplomatic-statements/2020/09/02/joint-statement-of-canada-and-the-kingdom-of-the-netherlands-regarding-intention-to-intervene-in-the-gambia-v.-myanmar-case-at-the-international-court-of-justice>>.

۲. لازم به ذکر است که این دو دولت در حال طراحی اقدام مشترکی بر اساس کنوانسیون ضد شکنجه علیه دولت سوریه نیز هستند که حکایتگر یکی از ظرفیت‌های مهم در جنگ حقوقی علیه جنایات بین‌المللی است. (Cf. Joint Statement of Canada and The Netherlands regarding Their Cooperation in Holding Syria to Account, 12 March 2021).

نتیجه گیری

در دوران معاصر، مقابله با شدیدترین جرایم بین‌المللی مورد نگرانی جامعه جهانی و عدالت‌خواهی برای بزه‌دیدگان این جرایم به مثابه یکی از اضلاع سه‌گانه نظم و نظام نوین جهانی در کنار ستون‌های صلح و امنیت بین‌المللی قرار گرفته است. جنایت‌های بین‌المللی نقض ارزش‌های مشترک جامعه بشریت است و همین نفع مشترک در پاسداشت و صیانت از این ارزش‌هاست که جامعه جهانی را به مثابه یک کل و آحاد دولت‌ها، ملزم و متعهد به مقابله با این جرایم و مسئولیت‌خواهی نسبت به ارتکاب آن‌ها فارغ از جغرافیای وقوعشان نموده است.

نظام عدالت‌کفری بین‌المللی برای پایان بخشیدن به بی‌کیفرمانی، ابزارهای مختلفی را برای اقدام در سطح ملی و بین‌المللی عرضه کرده است. در سطح بین‌المللی در مقام تعقیب، هم مسئولیت‌کفری فردی و هم مسئولیت بین‌المللی دولتی که در ارتکاب جنایت‌های بین‌المللی مسئول است، پیگیری و مورد پیگرد واقع می‌شود. میان این دو مسئولیت، نه لازمه‌ای برقرار است و نه مطالبه هم‌زمان آن‌ها با مانعی روبه‌رو می‌باشد.^۱ محاکم بین‌المللی از نورمبرگ تا لاهه، ابزاری مؤثر برای به عدالت سپردن مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی و مسئولیت‌خواهی نسبت به دولت‌های دخیل در جنایت بوده‌اند (برای مطالعه درباره محاکم‌کفری بین‌المللی، ر.ک: ذاکریان، ۱۳۹۳). در کنار امر تعقیب، تحقیقات بین‌المللی نیز در مسیر مقابله با جرایم بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کنند. هدف از تحقیق، کشف و ثبت حقیقت با هدف جلوگیری از انکار و امحای آثار و ادله مثبت آن است (UN Human Rights Council, 2015: 8). در جایی که دورنمایی برای تعقیب نباشد، انجام تحقیق بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر است؛ چرا که «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید». در این ساحت، نقش سازمان ملل متحد برجسته می‌شود؛ از شورای حقوق بشر سازمان ملل تا دبیر کل و شورای امنیت و حتی مجمع عمومی از طریق تأسیس کمیسیون‌های تحقیق و یا اعزام هیئت‌های حقیقت‌یاب

۱. برای نمونه نسل‌کشی سربرنتسا در بوسنی، هم در دادگاه کفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق برای پاسخ‌گو کردن مباشران انسانی آن مورد رسیدگی واقع شد و هم در دیوان بین‌المللی دادگستری، زمینه احراز مسئولیت بین‌المللی دولت صربستان گردید.

و تعیین گزارشگر ویژه و مانند آن به رصد جنایت و بررسی زمینه‌ها و چگونگی و آثار مترتب بر وقوع آن می‌پردازند.^۱

تسلیحات زرادخانه عدالت بین‌المللی البته محدود به ابزارهای جهانی نیست. محاکم و مکانیسم‌های بین‌المللی قادر نیستند به تمام جنایات بین‌المللی در اقصی نقاط جهان رسیدگی کنند. از این جهت، بار اصلی در مقابله با جرایم بین‌المللی بر عهده دولت‌های ملی است. از این روست که آینده عدالت کیفری بین‌المللی با دست‌انداختن نهادهای ملی رقم خواهد خورد (Slaughter, 2006: 350). در همین راستا، تأسیس صلاحیت جهانی به مثابه جهان‌شمول‌ترین سلاح حقوقی علیه جرایم بین‌المللی، در دسترس دولت‌ها قرار داده شده است. بر اساس این اصل صلاحیتی، تمام دولت‌ها مجاز به تحت تعقیب قرار دادن جرایم بین‌المللی فارغ از محل ارتکاب جرم و تابعیت بزه‌دیده و یا بزه‌کار و اثر مستقیم جنایت بر منافع آن‌ها هستند (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۶۲). صلاحیت جهانی در پی آن است تا بهشت و پناه امنی برای مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی باقی نماند و سایه پاسخ‌گویی از سر جنایت‌پیشگان تا زمان پاسخ‌گویی و جبران خسارت بزه‌دیدگان برداشته نشود.

بحران میانمار و واکنش‌های جهانی نسبت به آن، حکایتگر و بیانگر آن است که نظام عدالت بین‌المللی در برابر وقوع جنایت بی‌سلاح نیست و با استفاده از ظرفیت‌های موجود می‌تواند مسیرهای عدالت‌خواهی را طی نماید. جایی که استفاده از مکانیسم‌های موجود با بن‌بست و انسداد روبه‌رو می‌شود نیز با خلاقیت می‌توان مسیرهای جدیدی برای رسیدن به مقصد مقصود عدالت باز نمود. از این روست که در سال‌های اخیر، آنجا که تعقیب کیفری میسر و عملی نباشد، مکانیسم‌های تحقیقاتی با هدف مستندسازی ایجاد شده‌اند تا ادله جنایت از امحا و تعرض مصون بماند تا هر زمان که محکمه‌ای برای محاکمه جنایت‌پیشگان برپا شد، بتوان از یافته‌های مستندشده در مقام تعقیب بهره برد. جنایت در گذر زمان فراموش می‌شود و حقیقت در معرض قلب و تحریف قرار می‌گیرد. از این جهت در دنیایی که صحنه جنگ روایت‌هاست، باید

۱. البته برخی معتقد به کم‌کاری سازمان ملل متحد در قضیه میانمار هستند (برای نمونه ر.ک: شفیعی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۱-۱۶۴).

جنایت را ثبت و حقیقت را ضبط نمود. حتی اگر نتوان مرتکبان جنایت را به عدالت سپرد، باید مانع از انکار و تحریف و فراموشی جنایت شد.

پرسمان اصلی این پژوهش آن بود که ابزارهای به کار گرفته‌شده توسط جامعه جهانی را در جنگ حقوقی علیه بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی مشخص سازد. دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، حقیقت‌یابی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و صلاحیت جهانی محاکم ملی، چهار مکانیسم عمده‌ای بود که در امر تحقیق و تعقیب جنایت‌های بین‌المللی ارتکاب‌یافته در میانمار به کار گرفته شده است. درس مهم قضیه میانمار و اقدامات حقوقی صورت‌گرفته علیه جنایت‌های میانمار، باورمندی به امکان کنشگری و بازیگری در نظام عدالت بین‌المللی است. اقدام کشور کوچک گامبیا در کشاندن پای میانمار به محکمه بین‌المللی و به عیان و جلوت کشیدن مسئولیت میانمار در قبال نسل‌کشی مسلمانان این کشور نشان داد که کنشگری مبتنی بر عقلانیت و علم و شناخت می‌تواند نتایج مهمی حاصل کند. در این ساحت و عرصه، دولت ایران و نهادهای مدنی و حقوق‌دانان و فعالان عدالت‌خواه بین‌المللی می‌توانند کنشگری کنند و همگام با جامعه جهانی در مقام حمایت از بزه‌دیدگان جنایت‌های بین‌المللی و از آن جمله بزه‌دیدگان مسلمان در میانمار اقدام کنند. همراهی دولت ایران با گامبیا مانند راهی که توسط کانادا و هلند پیموده شد، می‌توانست در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور باشد که البته از این فرصت استفاده نشد. همچنین نهادهای مدنی به عنوان یک نهاد واسطه با شناسایی قربانیان روهینگیان نمایندگی حقوقی ایشان را نزد دیوان کیفری بین‌المللی بر عهده بگیرند.

کتاب‌شناسی

۱. خالقی، علی، *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۸ ش.
۲. ذاکر حسین، محمدهادی، «جنگ حقوقی در سوریه»، ۲۷ دی ۱۳۹۵ ش.، قابل دسترس در تارنمای «دیپلماسی ایرانی» به نشانی: <<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1965969>>.
۳. همو، «راه رسیدن به عدالت کیفری برای قربانیان روئینگیایی چیست؟ وضعیت قرمز حقوق بشر در بهشت سبز میانمار»، *روزنامه ایران*، شماره ۶۵۹۸، سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ ش.
۴. همو، «مفهوم و کارکرد "قضیه" در "دیوان کیفری بین‌المللی"»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۵. ذاکریان، مهدی، *محاكم کیفری بین‌المللی*، تهران، تیس، ۱۳۹۳ ش.
۶. رحمتی، علی، و حسین میرمحمدصادقی، «امکان‌سنجی تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات اخیر در میانمار در عرصه ملی و بین‌المللی»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و سوم، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۷. روستایی، علیرضا، و علیرضا آرش‌پور، «پاکسازی قومی مسلمانان میانمار؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی؟»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۸. شریعت باقری، محمدجواد، *حقوق کیفری بین‌المللی*، تهران، جنگل، ۱۳۹۱ ش.
۹. شفیع، نوذر، و رؤیا سلیمی، «تبیین عملکرد سازمان ملل متحد در قبال نسل‌کشی در میانمار»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، بهار ۱۳۹۸ ش.
۱۰. طهماسبی، جواد، *صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. مستقیمی، بهرام، و مسعود طارم‌سری، *مسئولیت بین‌المللی دولت*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. مؤمنی، مهدی، *حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۶ ش.
13. Abbott, Kingsley, "Rohingya Symposium: Why Accountability Should Be at the Heart of Policy on Myanmar—Applying the Principles Against Impunity", 2020^A.
14. Id., "Rohingya Symposium: Why So Secret? The Case for Public Access to Myanmar's Reports on Implementation of the ICJ's Provisional Measures Order", 2020^B.
15. Amnesty International, "Myanmar: New evidence reveals Rohingya armed group massacred scores in Rakhine State", 22 May 2018, available at: <<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2018/05/myanmar-new-evidence-reveals-rohingya-armed-group-massacred-scores-in-rakhine-state>>.
16. Bassiouni, M. Cherif, *Crime Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application*, Cambridge University Press, 2011.
17. Bo, Marta, "Crimes against the Rohingya: ICC Jurisdiction, Universal Jurisdiction in Argentina, and the Principle of Complementarity", 2019.
18. Chetail, Vincent, "Is There any Blood on My Hands? Deportation as a Crime of International Law", *Leiden Journal of international Law*, Vol. 29(3), 2016.

19. Côté, Luc, "Reflections on the Exercise of Prosecutorial Discretion in International Criminal Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 3(1), 2005.
20. Cuddy, Alice, "Myanmar Coup: What is Happening and Why?", BBC News, 15 March 2021, Available at: <<https://www.bbc.com/news/world-asia-55902070>>.
21. Dixon, Martin, *International Law*, Oxford University Press, 2007.
22. Guardian, "6,700 Rohingya Muslims killed in one month in Myanmar, MSF Says", 2017.
23. Hall, Christopher K. & Carsten Stahn, "Article 7. Crimes against humanity", in: Kai Ambos & Otto Triffterer (eds.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: a Commentary*, C.H. Beck/Hart/Nomos, 2016.
24. High Commissioner for Human Rights, "Opening Statement to the 36th Session of the Human Rights Council", 2011.
25. Human Right Watch, "Burma: End 'Ethnic Cleansing' of Rohingya Muslims", 2013, Available at: <<https://www.hrw.org/news/2013/04/22/burma-end-ethnic-cleansing-rohingya-muslims>>.
26. Human Rights Watch, "Massacre by the River: Burmese Army Crimes against Humanity in Tula Toli", 2017.
27. Jacobs, Dov, "Limitations of Using Fact-Finding Reports in Criminal Proceedings: The Case of Myanmar", *Policy Brief Series*, No. 118, Torkel Opsahl Academic EPublisher, 2020, Available at: <<https://www.toaep.org/pbs-pdf/118-jacobs>>.
28. Keefe, Roger, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2015.
29. Kipgen, Nehginpao, "The Rohingya Crisis: The Centrality of Identity and Citizenship", *Journal of Muslim Minority Affairs*, Vol. 39(1), 2019.
30. Lee, Ronan, "Myanmar's Citizenship Law as State Crime: A Case for the International Criminal Court", *State Crime Journal*, Vol. 8(2), 2019.
31. Luban, David, "Fairness to Rightness: Jurisdiction, Legality and the Legitimacy of International Criminal Law", in: Samantha Besson & John Tasioulas (eds.), *The Philosophy of International Law*, Oxford University Press, 2010.
32. Maillart, Jean-Baptiste, "The Limits of Subjective Territorial Jurisdiction in the Context of Cybercrime", *ERA Forum; Journal of the Academy of European Law*, Vol. 19(3), 2019.
33. Rodman, Kenneth A., "Peace Versus Justice", in: Deen K. Chatterjee (eds.), *Encyclopedia of Global Justice*, Springer, 2011.
34. Rosenberg, Sheri P., "Genocide is a Process, Not an Event", *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, Vol. 7(1), 2012.
35. Schonthal, Benjamin, "Buddhism and Constitutional Practice", *Asian Journal of*

Comparative Law, Vol. 13(2), 2018.

36. Slaughter, Anne-Marie & William Burke-White, "The Future of International Law is Domestic (or, The European Way of Law)", *Harvard Journal of International Law*, Vol. 47(2), 2006.
37. Stevenson, Alexandra, "Facebook Admits It was Used to Incite Violence in Myanmar", *The New York Times*, 6 Nov. 2018, Available at: <<https://www.nytimes.com/2018/11/06/technology/myanmar-facebook.html>>.
38. Timmermann, Wibke Kristin, "Incitement in International Criminal Law", *International Review of the Red Cross*, Vol. 88(864), 2006.
39. UN Human Rights Council, "Report of the Detailed Findings of the Independent International Fact-Finding Mission on Myanmar", 2018.
40. UN Human Rights Council, "Report of the Independent Investigative Mechanism for Myanmar", 2019.
41. UN Human Rights Council, *Commissions of Inquiry and Fact-Finding Mission on International Human rights and Humanitarian Law: Guidance and Practice*, 2015, Available at: <https://www.ohchr.org/Documents/Publications/CoI_Guidance_and_Practice.pdf>.
42. UN Special Rapporteur on the situation of human rights in Myanmar, 9 March 2018, Report, A/HRC/37/70.
43. Vagias, Michail, *The Territorial Jurisdiction of the International Criminal Court*, Cambridge University Press, 2014.

Judgments:

44. ICC, Myanmar situation, Decision on the Prosecution's Request for a Ruling on Jurisdiction under Article 19(3) of the Statute, 6 September 2018.
45. ICC, Myanmar situation, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the People's Republic of Bangladesh/Republic of the Union of Myanmar, 14 November 2019.
46. ICC, Myanmar Situation, Request for Authorization of an Investigation Pursuant to Article 15, 4 July 2019.
47. ICC, OTP, Myanmar situation, Prosecution's Request for a Ruling on Jurisdiction under Article 19(3) of the Statute, 9 April 2018.
48. ICC, Ruto case, Decision on the Confirmation of Charges Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute, 4 February 2010.
49. ICC, Situation in the Republic of Korea, Article 5 Report, June 2014.
50. ICJ, Advisory opinion on Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 28 May 1951.
51. ICJ, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and

Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Provisional Measures, Order, 3 October 2018.

52. ICJ, Qatar v. United Arab Emirates case, Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, Provisional Measures Order, 23 July 2018.
53. ICJ, Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Judgment, 20 July 2012.
54. ICJ, The Gambia v. Myanmar case, Provisional Measures Order, 23 January 2020.
55. ICTY, Appeals Chamber, Krnojelac case, Judgment, 17 September 2003.
56. ICTY, Appeals Chamber, Stakic case, Judgment, 22 March 2006.
57. ICTY, Trial Chamber, Popović case, Judgment, 10 June 2010.

